

بررسی لزوم آموزش زبان عبری در سطح دانشگاه های نیروهای مسلح

یحیی حسینی^۱

جعفر فسایی^۲

چکیده

زبان به مثابه ابزاری است که در کنار سایر کارکردهای ارتباطی، می تواند در مناسبات بینافردی و اجتماعی نیز نقش آفرینی کند؛ یکی از مهمترین این نقش ها، نقش سیاسی- امنیتی در مناسبات قدرت است. رژیم صهیونیستی، با تمرکز بر زبان فارسی و شناخت مولفه ها و عناصر مهم فرهنگ ایرانی- اسلامی، سعی کرده است که از یک سو با تربیت جوخه های ترور، مقاصد کاملاً مغایر با هنجارهای قانونی، عرفی و اخلاقی را دنبال کند و از سوی دیگر، برای دستیابی به نوعی مشروعیت جعلی و دروغین، قرائت بازگو نه ای از حقایق را در خصوص ایران و سیاست هایش به مخاطبان فارسی زبان القا و تحمیل نماید. به نظر می رسد یکی از مهمترین موثرترین راهبرهای موجود در جهت خنثی کردن چنین سیاست ها و رویکردهای خصمانه، کنش متقابل و نشان دادن دست برتر است. بر این اساس، مقاله حاضر به دنبال تبیین ظرفیت عظیم

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه افسری امام علی (ع) (نویسنده مسئول)

۲. دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرمزگان

قدرت نرم است تا از این رهگذر، ضمن مطالعه دقیق ابعاد گوناگون آن، در بخش‌ها و نهادهای مختلف، بر روی زبان عبری، تاریخ و مولفه‌های فرهنگی رژیم صهیونیستی، تمرکز بیشتری صورت گیرد. این نوشتار با رویکردی تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای به شناسایی و تبیین روابط این عناصر می‌پردازد. دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه افسری امام علی^(ع) که نقش بسیار برجسته و تعیین‌کننده‌ای در تربیت نیروهای متخصص نظامی برعهده دارد، می‌تواند با برنامه‌ریزی اصولی و تمرکز بر پژوهش‌هایی با محوریت زبان و امنیت و همچنین تأسیس رشته‌ای تحت عنوان «آموزش زبان عبری»، توان اطلاعاتی و به تبع آن قدرت نرم ارتش باصلا بت جمهوری اسلامی ایران را بیش از پیش ارتقا بخشد.

واژگان کلیدی: امنیت، قدرت نرم، زبان عبری، فرهنگ، دانشگاه افسری امام علی^(ع).

مقدمه

در گذشته از زبان، بیشتر به عنوان ابزاری برای ارتباط میان انسان‌ها استفاده می‌شد. در این ساحت، انسان از زبان به عنوان تکیه‌گاه اندیشه، و در روابط اجتماعی خود به منظور انسجام بخشیدن به «ما» یا جوامع خودی و ایجاد خط تمایز با «دیگری» استفاده می‌کرد. طبیعی است که از این منظر، زبان بیشتر صبغه اجتماعی به خود بگیرد. این گونه استفاده از زبان، به مرور زمان و با برهم خوردن تعادل جهان، دگرگون شد.

امروزه، زور و قدرت نظامی و مادی جایگاه خود را در ترکیب بندی روابط بین الملل از دست داده است و حرف اول را «فرهنگ» از طریق قدرت نرم می‌زند. «فرهنگ، بخش درهم تنیده‌ای از کنش‌های متقابل زبان و اندیشه است. الگوهای فرهنگی شناخت و رسوم گاهی اوقات به

صراحت در زبان بیان شده‌اند.» (رضوی، ۱۳۹۲، ص. ۱۲)؛ بنابراین دولت‌ها برای بقا و تامین منافع ملی خود می‌توانند ضمن شناسایی و تقویت عناصر فرهنگی، از این ظرفیت‌ها به‌عنوان عاملی بازدارنده در جهت نشان دادن چهره واقعی دشمن استفاده کنند. فرهنگ و روابط فرهنگی چنان در ابعاد همه‌جانبه زندگی دولت-ملت‌ها تنیده شده است که امروزه روابط بین‌الملل را روابط میان فرهنگ‌ها تعبیر می‌کنند. «کشوری موفق است که بتواند از طریق فرهنگ، ارزش و ایدئولوژی خود، اندیشه و ترجیحات دیگر دولت-ملت‌ها را تحت تاثیر قرار داده و گفتمان نظم بین‌الملل را در جهت مبانی فرهنگی-ارزشی خود هدایت کند.» (جمشیدی، ۱۳۹۶، ص. ۷)

وضعیت جدید جهان، اقتضائات و الزامات تازه‌ای را در همه حوزه‌ها و شئون تاثیرگذار زندگی انسان و در تمامی ابعاد فردی و اجتماعی و بین‌المللی به‌دنبال داشته‌است. بر این اساس در بستر جهان دگرگون شده که تمامی روابط و مناسبات کشورها با خود و با دیگران، به‌گونه‌ای کاملاً متفاوت از قبل صورت‌بندی شده‌است، زبان نیز کارکردهای متفاوتی پیدا کرده‌است. با توجه به این تحولات، زبان از سطح عمومی به سطح سیاسی رسیده است و به‌عنوان یکی از ارکان مهم در سیاست‌گذاری‌های دولت‌ها مطرح شده است. در مناسبات جدید، زبان با مقوله امنیت ملی به‌منظور «دستیابی به منافع ملی» (دهقان طرزجانی، ۱۳۷۹، ص. ۹) ارتباط پیدا کرده‌است.

امنیت ملی به شبکه گسترده‌ای از عوامل بستگی است و در این میان با زبان و متعلقات و لوازم آن نیز ارتباط درونی تنگاتنگی دارد. در حقیقت، توجه به زبان و فرهنگ از ویژگی‌ها و مولفه‌های اصلی جوامع امن به‌شمار می‌آید؛ قدرت نظامی در کنار مقوله فرهنگ-در معنای عام و زبان به‌صورت خاص- دو بازوی مهم و اصلی جوامع برای دستیابی به ثبات و امنیت محسوب

می‌شود؛ دربارهٔ نسبت نیروی نظامی و قدرت فرهنگی-زبانی، گفته شده‌است که: «قدرت نظامی ابزاری است برای حفظ جامعه از مصایب ناشی از قدرت‌های اهریمنی و نگهبانی از حق، آزادی و دموکراسی و مقابله در برابر فشارها و تهدیدهای مخاطره‌انگیز برای استقلال و همه ارزش‌های یک جامعه. قدرت فرهنگی سنن، آداب، رسوم و فرهنگ بنیادین، ملت را قوام می‌بخشد و در هنگام تهدید خارجی و جنگ و صلح، ملت را بسیج می‌کند» (دهقان طرزجانی، ۱۳۷۹، ص. ۱۰). تلقی از زبان به مثابه یک امر سیاسی، باعث شده است که کشورهای مختلف در جهت تقویت منافع خود یا دفع تهدیدها و مخاطرات پیش‌رو، نه تنها بر روی زبان‌های کشور خود، بلکه در ابعاد وسیع‌تر و در سطوح بین‌المللی نیز سرمایه‌گذاری کنند. از این چشم‌انداز، زبان ابزاری است در دست این نظام‌ها که کارویژه‌های خاصی در جهت تقویت منافع آنان برعهده دارد. در این میان کشورهایی که منابعی از تنش و تضاد و تخاصم میان آنها وجود دارد، می‌کوشند عمده توجهات خود را در جهت شناخت همه‌جانبه دیگر متخاصم معطوف سازند که شناخت فرهنگ، آداب و رسوم، اعتقادات و باورها و مشخصاً زبان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

سیاست‌های زبانی آمریکا بعد از حادثه یازدهم سپتامبر که به‌سوی تدریس زبان‌های به اصطلاح دشمن معطوف شده است و نیز فعالیت‌های «شورای فرهنگی بریتانیا»، از جمله مواردی است

۱- «فقدان تسلط بر زبان عربی از نظر آمریکایی‌ها، یکی از علل اصلی حادثه یازدهم سپتامبر بوده که به زعم آنان اگر کنترل بیشتری روی آن زبان وجود داشت، احتمالاً از وقوع آن جلوگیری می‌شد. استفاده از واژه «زبان‌های دشمن» و حمله به زبان عربی، در جهت پوشش دادن به ضعف‌ها و بی‌عدالتی موجود و هدایت افکار عمومی تحقیر شده آمریکا به سمت دشمن خارجی است. به‌جای ارتقای زبان‌ها با دید آکادمیک و منظوره‌های انسان‌دوستانه، انجمن زبان و امنیت آمریکا اقدام به تأسیس مرکز زبان دوم پیشرفته تأمین امنیت نمود» (قمری، ۱۳۸۵: ۹۹).

که نشان از جایگاه و اهمیت زبان در معادلات سیاسی کشورهای جهان دارد. این شورا در سال ۱۹۳۴ (۱۳۱۳ ه.ش) با نام «کمیته بریتانیا» برای روابط با دیگر کشورها تاسیس شد و در سال ۱۹۴۰ (۱۳۱۹) به فعالیت آن در انگلستان رسمیت بخشیده شد. از جمله اهداف این شورا می‌توان به نفوذ فرهنگی، نفوذ اجتماعی و علمی با استفاده از برگزاری آزمون‌های تخصصی زبان انگلیسی، تضعیف زبان ملی کشورها از طریق ترویج زبان انگلیسی و ... اشاره کرد. به‌رغم گسترش آگاهی نسبت به اهمیت و نقش فرهنگ و افزایش نقش جذابیت‌های سیاسی کشورها در روابط بین‌الملل، به نظر می‌رسد یکی از مهمترین و موثرترین راهبرهای موجود در جهت خنثی کردن چنین سیاست‌ها و رویکردهای خصمانه، کنش متقابل و نشان دادن دست برتر است.

روش تحقیق

مبنای روش تحقیق مقاله، روش تحلیلی-تبیینی و از نظر هدف کاربردی است. در این جستار تلاش شده است تا با یادداشت‌برداری و استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای، ضمن بررسی و تبیین ظرفیت‌های فرهنگی و قدرت نرم، به راهکارهایی جهت بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی در راستای کنش متقابل و تامین منافع ملی پرداخته شود.

پیشینه تحقیق

زهره‌ای (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «درآمدی بر سایبر دیپلماسی و قدرت نرم در عصر جهانی شدن فرهنگ»، با تمرکز بر پیشرفت‌های ارتباطی و اطلاعاتی، استفاده ابزاری قدرت‌های بزرگ از عناصر قدرت نرم در مباحث جهانی شدن و تلاش آنان برای بسط امپریالیسم فرهنگی را مدنظر قرار داده است. قمری و حسن‌زاده (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای با عنوان «نقش زبان در هویت ملی» به بررسی میزان ارتباط جدایی‌ناپذیر زبان و هویت پرداخته‌اند، و مصادیق و نمونه‌هایی از تاثیرپذیری هویت از زبان، از جمله به ایدئولوژی‌های زبانی و تبلیغات اشاره می‌کنند. مومنی و مودب (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «ظرفیت‌ها و مولفه‌های قدرت نرم ج.ا.ا در تاجیکستان» ضمن بررسی پیشینه تاریخی و تمدن کهن ایران در سطح جهانی، به بررسی ظرفیت‌های مولفه‌های قدرت نرم ایران در آن کشور و نقش زبان فارسی پرداخته‌اند. به‌طور کلی بررسی پژوهش‌های مرتبط نشان می‌دهد که زبان فارسی تا چه اندازه در سطح جهانی به ارتقای سطح فرهنگ و هویت ملی در کشور کمک می‌کند؛ اما در خصوص موضوع این مقاله پژوهشی انجام نشده است.

مبانی نظری تحقیق

زبان، بستری اساسی برای هویت‌بخشی به هر واحد سیاسی و معنادهی به آن به‌عنوان یک ملت – دولت است. «زبان مشترک نیرومند، شکاف‌ها و تفاوت‌های موجود در آن را کمرنگ کرده و ملی‌گرایی آن را غنا می‌بخشد.» (شوکتی‌مقرب، ۱۳۹۳، ص. ۹۴). امروزه ابزارهای فرهنگی – ادبی جوامع بشری به مثابه یکی از مهمترین روش‌های اثرگذاری قدرت نرم مورد نظر است. «طبق نظریه برخورد تمدن‌های هانتینگتون، تفاوت‌های فرهنگی و تمدنی و تمایل هر یک به

تثبیت برتری فرهنگی خود، به اختلاف و منازعه میان ملت‌ها خواهد انجامید. وی تاکید می‌نماید که منازعات و صف‌بندی فرهنگی در برابر یکدیگر ادامه می‌یابد و جنگ‌های نظامی جای خود را به جنگ‌های فرهنگی خواهد داد (محروس، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۲).

زبان یهودی با تجربه ملی و دینی مردم یهود در طول نسل‌ها پیوند داشته است. زبان عبری تنها یک زبان ویژه نیست؛ عبری به خودی خود، نمادی از تاریخ است. تنها ضمانت پایایی جامعه یهود، به‌عنوان نیرویی خلاق در زندگی یهودی، آموزشی موثر مبتنی بر تورات و وابسته به زبان عبری است (چامسکی، ۲۰۰۲، ص. ۲۷۸).

سده سیزدهم پیش از میلاد مسیح، هنگامه‌ای است که به گفته تاریخ‌نگاران، زبان عبری پس از فتح کنعان، زبان ارتباطی یهودیان شد. آهسته‌آهسته این زبان رو به زوال نهاد و تا سده دوم پس از میلاد مسیح، دیگر کاربردی در زبان روزمره مردم نداشت. «مردم یهود، تنها افرادی نبودند که زبان عبری را به کار می‌بردند، این زبان در نوشتار و گفتار مردم موآبی، آدمویت^۱ و دیگر عبری‌زبانان نیز کاربرد داشته و زبان گفتاری کنعان یا یهودیه (بخشی از جنوب فلسطین) بوده است. نام عبری بر ابراهیم و فرزندانش در کتاب مقدس گذاشته شده است.» (شوکتی‌مقرب، ۱۳۹۳: ۹۶) اغمای این زبان، زمانی به پایان خود رسید که برخی در سده نوزدهم به دلایل صهیونیستی آن را بار دیگر زنده کردند. یهودیان نخستین بار در سده بیستم به زبان عبری سخن گفتند (زاگرم، ۲۰۰۶، ص. ۵۸). زبان عبری، نمایانگر میراث یهود و ابزاری کلیدی در

^۱Chomsky, 2002: 278

^۲Moabites

^۳Edomites

^۴Zuchermann, 2006: 58

ماندگاری کیش یهودی است. زبانی که پس از رسیدن به مرز کهنگی، پس از دهه‌ها، شکلی مدرن به خود می‌گیرد (شوکتی‌مقرب، ۱۳۹۳، ص. ۹۳).

در پایان سده نوزدهم میلادی، عبری تنها رسانه‌ای بود که آنها می‌توانستند برای برقراری ارتباط به کار برند. در این میان، صهیونیسم برای ایجاد پایگاهی برای این زبان تلاش می‌کرد. این زبان نزدیک به دو نسل در آلمان و بخش‌هایی از مجارستان به کار رفت، اما به محض اینکه نسل دوم با زبان آلمانی بزرگ شد، عبری به حاشیه رانده شد (کاتچر، ۱۹۸۲، ص. ۱۸۵).

امروزه عبری مدرن به جایی رسیده است که همه ویژگی‌های یک زبان بومی را در یک جامعه زبانی و در مرزهای مشخص ژئوپلیتیک دارد؛ عبری مدرن از نظر پیدایش و نسبی سامی است، اما در رسته زبان‌های اروپایی قرار می‌گیرد. هر آنچه امروزه تحت عنوان «عبری» در اسرائیل به کار می‌رود، زبان نیمه‌مهندسی شده و ترکیب‌یافته سامی-اروپایی است (زاگرم، ۲۰۰۶، ص. ۵۷).

پیش از پیدایش رژیم صهیونیستی، سه زبان انگلیسی، عربی و عبری در فلسطین رواج داشت. در عمل، عربی گسترده‌ترین بود و انگلیسی برای امر حکومتی کاربرد داشت، اما عبری تنها میان گروه‌های یهودی استفاده می‌شد. نخستین گامی که این رژیم برداشت، کنار زدن انگلیسی از میان زبان‌های رسمی بود و رفته‌رفته عبری بر عربی چیره شد (شوکتی‌مقرب، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۵). چندین مولفه مهم در فرایند بازسازی عبری نقش دارند که اساسی‌ترین

^۱Kutscher, 1982: 185

^۲Zuchermann, 2006: 57

مولفه‌ها عبارتند از: استفاده از عبری در خانه؛ استفاده از عبری میان بزرگسالان و خردسالان؛ از نظر افتادگی از سوی کمیته زبان و آکادمی زبان (کافمن، ۲۰۰۵، ص. ۴).

رژیم صهیونیستی و مواجهه با زبان فارسی

همگام با پایان سده نوزدهم و آغاز سده بیستم، پافشاری روزافزونی بر کاربری عبری در گفتار و نوشتار میان صهیونیست‌های ساکن فلسطین مشاهده شد. زبان عبری توانست، گونه‌های فراوانی از زبان یهودی و اسپانیایی (لادینو)، یهودی عربی، یهودی پارسی و ... را از ریشه برکند؛ همه این تصمیم‌ها با در نظر گرفتن اهمیت‌های ایدئولوژیکی گرفته شد. (شوکتی‌مقرب، ۱۳۹۳، ۱۰۱) پیدایش رژیم صهیونیستی در منطقه پرتنش خاورمیانه در کنار همه برآیندهای خود، زمینه ساز برجسته شدن زبانی سیاسی- ایدئولوژیک به نام «عبری مدرن» بوده است. کتاب مقدس، نژاد یهودی و زبان عبری، سه پایه اساسی ملی‌گرایی صهیونیستی را سامان می‌دهند. در سایه کاربری زبان عبری مدرن، سران رژیم اشغالگر کوشیده‌اند تا بر شکاف‌های اجتماعی و سیاسی سرپوش بگذارند (شوکتی‌مقرب، ۱۳۹۳، ۱۱۴).

رژیم غاصب صهیونیستی از ابتدای انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ همواره ضربه زدن به جمهوری اسلامی ایران با تمسک به غیرانسانی‌ترین روش‌ها را در صدر برنامه‌ها و اهداف خود قرار داده است. از این تاریخ به بعد، این دشمنی روز به روز شدت یافته و ابعاد گسترده‌تری پیدا کرده است. تقویت سرویس‌های جاسوسی و به‌طور کلی سرمایه‌گذاری‌های کلان در جهت شناسایی همه‌جانبه کشور ایران، باعث شده است که آنها در بعضی از مواضع بتوانند مقاصد شوم خود را عملی سازند؛ ترور ناجوانمردانه دانشمندان هسته‌ای همانند شهیدان والامقام و سرافراز

^۱Kaufman, 2005: 4

فخری زاده، علی محمدی، رضایی نژاد، شهریار و احمدی روشن، بخشی از تحقق نقشه‌های آنان محسوب می‌شود. در این فرآیند عوامل و عناصر بسیار زیادی دخالت دارد که زبان در کنار سایر عوامل نقش تعیین‌کننده و غیرقابل انکاری دارد.

صهیونیست‌ها از یک سو تمرکز خود را بر حفظ زبان، به عنوان ابزاری جهت هویت بخشی هرچند جعلی و ساختگی به خود معطوف کرده‌اند و به صورت جدی بر حفظ زبان عبری تاکید دارند؛ از سوی دیگر به روش‌های گوناگون با زبان کشورهای دیگر که موجودیت جعلی آنها را به خطر انداخته و تهدید می‌کند، نیز به مبارزه می‌پردازند. اقدامات خصمانه دشمنان در راستای رسیدن به اهداف سیاسی و راهبردی دشمن در جهت کم‌ارزش جلوه دادن عناصر فرهنگی و هویتی ایران و کشورهای اسلامی است؛ لذا لزوم تمرکز جدی‌تر بر تاریخ و فرهنگ عبری در نهادهای نظامی و امنیتی احساس می‌شود. در ادامه به نمونه‌هایی از این اقدامات خصمانه اشاره می‌شود:

۱- وبسایت رادیو فردا در سال ۱۳۸۹، به گزارش مندرج در یکی از نشریات رژیم صهیونیستی با عنوان «تشکیل دوره آموزش زبان فارسی در ارتش اسرائیل» اشاره می‌کند که از لابه‌لای این مطلب، گوشه‌ای از تلاش گسترده رژیم صهیونیستی در خصوص یادگیری زبان فارسی در ارتش رژیم صهیونیستی در راستای مقاصد غالباً جاسوسی نمایان می‌شود؛ در این گزارش آمده است که رکن اطلاعات ارتش رژیم صهیونیستی، برای تقویت واحد شنود خود، گام‌های تازه‌ای برداشته و بر شمار سربازانی که دوره‌های زبان فارسی و عربی را می‌گذرانند افزوده است. در این گزارش از قول یک افسر زن اسرائیلی که سرهنگ دوم «الف» معرفی شده، آمده است: «نیروهای ما در صحنه عمل، بدون داشتن اطلاعات کافی، حتی با مجهزترین دستگاه‌ها نیز قادر به

پیشروی نخواهند بود.» ناظران امور ایران در رژیم صهیونیستی هم بر این باورند که دلیل نیاز گسترده نیروهای اطلاعاتی و ارتش رژیم صهیونیستی به خدمت کسانی که فارسی بدانند، از شدت گرفتن نبرد سیاسی رژیم صهیونیستی و ایران در سال‌های اخیر ناشی می‌شود.

۲- شبکه صدای آمریکا نیز در ۲۷ دی ماه ۱۳۹۷، گزارشی از تلاش گسترده رژیم غاصب صهیونیستی برای آموزش زبان فارسی ارائه داد که آن نیز اهمیت یادگیری زبان فارسی برای اسرائیلیان در جهت دست یافتن به مقاصد آنها را نشان می‌دهد؛ «بخش فارسی صدای آمریکا، نخستین رسانه فارسی‌زبانی است که توانسته است به تنها مدرسه اسرائیل در نزدیکی تل‌آویو- که در آن به نوجوانان اسرائیلی، خواندن، نوشتن و گویش به زبان فارسی آموزش داده می‌شود- دسترسی پیدا کند. حدود ۲۵ تن از دانش‌آموختگان این مدرسه برای ایفای نقش‌های مهم اطلاعاتی در ارتش اسرائیل، واجد شرایط شناخته شده‌اند. اسرائیل می‌خواهد با اجرای پروژه یک ژنرال بازنشسته اسرائیلی، که رسالت تازه‌ای را در کلاس درس پیدا کرده است، تعداد کارشناسان فارسی زبان خود را که سیاست‌های دشمن قدیمی‌اش، یعنی ایران، را درک می‌کنند، افزایش دهد. سرتیپ (بازنشسته) پینی اش‌میلوویچ از سال ۲۰۱۴ تاکنون مدیریت برنامه ایران در دبیرستان بن‌گوریون در شهر مرکزی شهر پتاح تیکوا را برعهده داشته است. این دبیرستان که به نام «دیوید بن‌گوریون» (اولین نخست‌وزیر اسرائیل) نام‌گذاری شده، تنها دبیرستان دولتی اسرائیل است که یک دوره تخصصی را برای شناخت مردم ایران و گردانندگان اسلام‌گرای آن کشور- که خواستار از میان بردن کشور یهود هستند- برگزار می‌کند. در حدود پنجاه دانش‌آموز در این مدرسه به‌صورت داوطلبانه در این برنامه مورد تایید دولت موسوم به برنامه «ایران، امنیت، و اطلاعات» شرکت کرده‌اند. همه ۹۰۰ دانش‌آموز این مدرسه به‌صورت

رایگان و بدون پرداخت شهریه تحصیل می‌کنند. دانش‌آموزان، هفته‌ای پنج ساعت خواندن، نگارش، و گویش به زبان فارسی را فرا می‌گیرند. آنها در هر دو هفته، پانزده واژه را از بر می‌کنند تا به این ترتیب در پایان این دوره دو ساله بتوانند، مکالمات ابتدایی را به زبان فارسی انجام دهند».

۳- گروه بین‌الملل مشرق نیز گزارشی تهیه کرده است که گوشه‌ای از تلاش‌های بی‌امان رژیم صهیونیستی در جهت آموزش زبان فارسی را نشان می‌دهد؛ «سازمان اطلاعات نظامی رژیم صهیونیستی معروف به «امان» از وزارت آموزش این رژیم خواست، آموزش زبان فارسی را به‌عنوان یک ماده درسی در مدارس این رژیم تدریس شود. دافنه لیلال (گزارشگر شبکه دو تلویزیون رژیم صهیونیستی) گزارش داد که سازمان اطلاعات نظامی رژیم صهیونیستی (امان) که از با کمبود نیروی انسانی مواجه است، از وزارت آموزش این رژیم خواست، آموزش زبان فارسی را به‌عنوان یک ماده درسی و از همان پایه اول در مواد درسی این رژیم جای دهد. گزارشگر شبکه دو تلویزیون رژیم صهیونیستی در ادامه گزارش خود گفت که این پیشنهاد سازمان اطلاعات نظامی رژیم صهیونیستی با استقبال وزارت آموزش و پرورش این رژیم مواجه شده است. اولین شهری که با ایده آموزش زبان فارسی در مدارس موافقت کرد، شهر بئر السبع بود که حرکت بزرگی را برای آموزش زبان فارسی آغاز می‌کند و اگر این طرح با موفقیت مواجه شود، در سراسر رژیم صهیونیستی به اجرا در می‌آید. قرار است، این رشته در دانشگاه‌های رژیم صهیونیستی هم تدریس شود و فارغ‌التحصیلان این رشته مستقیماً به استخدام «امان» درخواهند آمد؛ البته این استخدام اختیاری خواهد بود، اما کسانی که به‌عنوان کارشناس زبان

فارسی وارد امان شوند، از امتیازات بسیاری برخوردار خواهند شد، چون این افراد خواهند توانست مشکلات اساسی بسیاری را که طی سال‌های اخیر به دلیل ناآشنایی با زبان فارسی در دستگاه‌های اطلاعاتی و جاسوسی رژیم صهیونیستی از جمله امان به وجود آمده رفع کنند.

۴- تلاش برای یادگیری زبان فارسی توسط ارتش و نیز سرویس‌های جاسوسی رژیم صهیونیستی با فعالیت گسترده آنها در فضای مجازی همراه شده است. آنها در شبکه اجتماعی اینستاگرام که طرفداران بسیار زیادی در سراسر جهان از جمله در ایران دارد، به طور گسترده اخبار جهان و ایران را به زبان فارسی پوشش می‌دهند. در اینستاگرام صفحه‌های زیادی فعال است از جمله صفحه «ارتش دفاعی رژیم صهیونیستی به فارسی» که با قریب به ۴۰ هزار دنبال‌کننده، مطالبی که با حقیقت نسبت و ارتباطی ندارد را با ترفندهای بسیار، به عنوان حقیقت به مخاطبان خود تحمیل می‌کند.

۵- علاوه بر این در اینستاگرام صفحه‌ای با عنوان اسرائیل به فارسی (Israelinpersian) که صفحه رسمی وزارت امور خارجه رژیم صهیونیستی (Israel Ministry of Foreign Affairs) است با حدود ۹۵۰ هزار نفر دنبال‌کننده فعالیت می‌کند که همانند مورد پیش گفته، تمامی مطالب را برای همسو ساختن افکار عمومی ایرانیان، به زبان فارسی انعکاس می‌دهد. به عنوان مثال در یکی از آخرین مطالبی که در این صفحه آمده است، یائیر لاپید وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی گفته است که مردم ایران باید بدانند که رژیم جمهوری اسلامی دلیل زندگی فلاکت‌بار آنها است. به قول سعدی شاعر ایرانی: «اصل بد نیکو نگردد زانکه بنیادش بد است»؛ کشور اسرائیل قوی است و اجازه نخواهد داد به مردمش آسیبی وارد شود. از همین

پست مشخص می شود که آنها چگونه تلاش می کنند از کانال زبان فارسی و با ارجاع به شعر یکی از شاعران شناخته شده ایرانی، یعنی سعدی شیرازی، برای ادعای باطل خود مشروعیت و حقانیت دست و پا کنند و در نهایت بتوانند با خدعه مخاطبان فارسی زبان خود را متقاعد کنند و با خود همسو و همراه سازند.

۶- مجله نیویورک تایمز (مه ۲۰۰۴) در مقاله ای درباره گروه های اسلام گرای تندرو در فرانسه، ناتوانی این گروه ها را در سخن گفتن به زبان فرانسوی، سرزنش می کند و سخن گفتن به زبان فرانسوی را در آن کشور، معیار هویت فرانسوی می داند.

۷- نمونه دیگر مربوط به پس از حادثه یازدهم سپتامبر است که در رسانه های گوناگون با تبلیغات گسترده زبانی و جنگ روانی، علیه مخدوش کردن چهره مسلمانان اقدام کردند؛ در مجله هرالد تریبون (مارس ۲۰۰۴)، زبان عربی، زبان ترور معرفی شده است: «هیچ چیز مشترکی در میان تمام سازمان های تروریستی وجود ندارد، جز اینکه همه آنها عربی صحبت می کنند.» (قمری و همکاران، ۱۳۸۹، ص. ۱۶۵).

۸- هرمان رکندورف، یکی از مترجمان یهودی است که از زبان عبری باستانی در ترجمه قرآن کریم بهره جسته و عباراتی از قرآن کریم را با عباراتی مشابه در عهد عتیق جایگزین کرده است. «تفاوت ترجمه رکندورف با ترجمه های دیگر، علاوه بر نزدیک بودن واژه هایش به زبان عبری باستانی، توضیحاتی است که مترجم اضافه کرده است که در موارد زیادی این توضیحات رنگ و بوی تمسخر و انتقاد می دهد.» (عرب علی دوستی، ۱۳۹۸، ۷۵).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بنابر آنچه گفته شد، فرهنگ و یکی از بنیادی‌ترین جنبه‌های آن یعنی زبان، بخش مکمل قدرت نظامی به‌شمار می‌آید. از اولویت خارج ساختن این بخش بسیار مهم، به معنای نادیده گرفتن ظرفیت بسیار عظیم قدرت نرم در معادلات پیچیده دنیای معاصر است. از این چشم‌انداز، رژیم غاصب صهیونیستی، به عنوان نماینده اصلی یا دستکم یکی از نمایندگان مهم نظام سرمایه‌داری، با صرف ثروت‌های نامشروع و مبالغ هنگفت، مسئله زبان را در سیاست‌گذاری‌های خود لحاظ کرده است و با سوءاستفاده از ظرفیت فرهنگ، بازوهای اختاپوس‌وار خود را در پهنه جهان و برای تجاوز و تعدی و ترور گسترانیده است. این رژیم با اشراف بر ظرفیت فرهنگ و قدرت نرم، از جنبه‌های فرهنگی ایران اسلامی غافل نبوده است و در نهادهای فرهنگی و نظامی خود بر آموزش زبان فارسی و سایر مولفه‌های هویت ایرانی-شیعی تمرکز کرده است. شبیخون فرهنگی، تربیت جاسوس و اعزام جوخه‌های ترور و اقدامات خرابکارانه گاه به گاه این رژیم غاصب در سرزمین ایران، نشان از تاثیر سرمایه‌گذاری آنان در این حوزه است. اغلب تحلیل‌گران، جنگ‌های آینده را جنگ ترکیبی نامیده‌اند. نمونه‌های اشاره شده بالا بخشی از اقدامات خصمانه دشمنان در راستای رسیدن به اهداف سیاسی و راهبردی دشمن در جهت کم‌ارزش جلوه دادن عناصر فرهنگی و هویتی ایران و کشورهای اسلامی است؛ بنابراین لزوم تمرکز جدی‌تر بر تاریخ و فرهنگ عبری در نهادهای نظامی و امنیتی احساس می‌شود؛ از این‌رو در گام نخست، دایر کردن رشته زبان عبری در دانشگاه امام علی^(ع) می‌تواند گامی محکم و پر صلابت و البته ضروری در جهت خنثی کردن تهدیدها و توطئه‌های متعدد دشمن فراهم‌آورده و اتخاذ موضعی فعالانه و

تهاجمی در این حوزه باشد و در تحلیل نهایی به تقویت هر چه بیشتر بنیه‌های ارتش جمهوری اسلامی ایران یاری رساند.

فهرست منابع

- جمشیدی، محمدحسین؛ نقدی، فرزانه (۱۳۹۶). «فرهنگ به مثابه قدرت در روابط بین الملل، قدرت فرهنگ در برابر فرهنگ قدرت»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ششم، شماره اول، صص ۷-۴۱.
- دهقان طرزجانی، محمود (۱۳۷۹). روابط خارجی ایران و همسایگان در دهه دوم انقلاب اسلامی. تهران: سروش.
- شوکتی‌مقرب، سمیه (۱۳۹۳). «عبری مدرن؛ ابزاری زبان‌شناختی در راستای دستیابی به اهداف ایدئولوژیکی»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، سال پانزدهم، شماره ۳۲، صص ۹۳-۱۱۸.
- رضوی، عبدالحمید (۱۳۹۲). تاملی بر مناسبات فرهنگ، زبان و آموزش زبان، نشریه مطالعات فرهنگ و ارتباطات، دوره ۹، شماره ۳۰، صص ۳۱-۱۱.
- قمری، محمدرضا؛ حسن‌زاده، محمد (۱۳۸۹). «نقش زبان در تامین هویت ملی»، دوفصلنامه زبان پژوهی دانشگاه الزهراء(س)، سال دوم، شماره ۳، صص ۱۷۲-۱۵۳.
- عرب‌علیدو ستی، رویا؛ پروین، جلیل؛ کثیری‌نژاد، سهیل (۱۳۹۸). سنجش انتقادی نحوه مواجهه مترجمان با تضمین‌های نحوی در قرآن، دو فصلنامه پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث، دوره ۶، شماره ۱۱، صص ۱۰۵-۶۹.
- محروس، عبدالخبیر (۱۳۹۰). «بعد دینی در مطالعه روابط بین الملل» ترجمه وحید مرادی، تهران: دانشگاه امام صادق، صص ۱۶۷-۹۱.

Chomsky, William (2002), *Hebrew: The Eternal Language*, Illinois: Varda Books.

Kaufman, Jeff (2005), *The Revival of the Hebrew Language*, Retrieved from sccs.

Kutscher, Raphael (1982). *A History of the Hebrew Language*, Jerusalem: The Magnes press, The University.

Zuchermann, Ghil ad (2006). A New Vision for Israil Hebrew, Theoretical and practical Implication of Analyzing Israel Main Language as a semi- engineered Semito-European Hybrid Language, *Journal of Modern Jewish Studies*.